

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۰۸ سپتمبر ۲۰۱۱

سید علی خامنه ای

رهبر حکومت اسلامی نیاز به کمک مالی دارد؟!!

در ماه های اخیر برخی از نشریات و رسانه های نزدیک به دفتر آیت الله خامنه ای، گفته ها و خاطراتی را به نقل از تعدادی از اعضای تیم حفاظت از خامنه ای منتشر کرده اند که در آن ها تلاش شده تا از او «شخصیتی مهربان»، «صمیمی» و «مرم دوست» به تصویر کشیده شود. به خصوص گفته شده است که او، در فقر و سادگی زندگی می کند و حتی برخی مواقع از اطرافیان خود، برای گذران زندگی پول هم قرض می کند؟! شنیدن و خواندن چنین خبری، «دل» آدم را به «درد» می آورد؟ چگونه رهبر یک کشور ۷۵ میلیونی، با درآمدهای کلان، این همه در فقر و نداری زندگی می کند؟

بنا به گفته مقامات و مسئولین حکومتی، درآمد ایران فقط در شش سال گذشته از منبع فروش نفت خام، حدود پانصد میلیارد دلار بوده است. اما «بیچاره» رهبر این حکومت، برای برطرف کردن نیازهای خود، پول قرض می گیرد. از این رو، فکر کردم توجه خوانندگان این سطور را به مسأله «مهم؟» کمک مالی عاجل به این رهبر «معصوم»، «دل رحم»، «انسان دوست»، «ورزش دوست»، «کوهنورد» و رهبری که در این سی و سه سال حاکمیت جمهوری اسلامی، هرگز آزارش به «مورچه» نیز نرسیده است و... جلب کنم تا از هر طریق ممکن، به این رهبر درمانده حکومت اسلامی کمک کنید؟! «واقعا» دل آدم به حال سید علی خامنه ای می سوزد که این قدر در فقر و نداری و گرسنگی به سر می برد؛ اشک آدم را در می آورد؟!!

البته شاید اطرافیان این رهبری که احتمالاً به دلیل فقر، دچار کم خونی هم شده است، از آقازاده اش حاج آقا مجتبی گرفته تا مسؤولان دفترش، از ریاست جمهوری تا دیگر ارگان های حکومتی، از حوزه ها تا دانشگاه ها، از بانک ها تا شرکت های بزرگ، از سپاه پاسداران تا بسیج، کسب و کارشان غارت اموال مردم، دزدی، قاچاق، سرکوب، ترور، تجاوز و اعدام است ربطی به رهبر ندارد؟! شاید ایشان از این همه جنایات حکومتش بی خبر است؟

رهبر حکومت اسلامی، همواره به فکر «جوانان» کشور است. زیرا یکی از محافظان خامنه ای، گفته است که او در طول روز بیشتر به سه عمل، ورزش، تعلیم و تربیت و تهذیب و عبادت مشغول است. به گفته این محافظ، رهبر حکومت اسلامی، این سه عمل را به جوانان توصیه کرده و خودش نیز بیشتر به آن ها اشتغال دارد.

او گفت: «ایشان (آیت الله خامنه ای) حدود یک تا یک و نیم ساعت پیش از نماز صبح بیدارند که تهجد و عبادت شخصی ایشان است. روز هایش هم با هم فرق می کند، شبیه به هم نیست. ایام هفته فرق می کند. یک روز آقا بیشتر نماز می خوانند، یک روز بیش تر قرآن می خوانند، یک روز بیشتر دعا می خوانند، یک روز بیشتر ذکر می گویند.»

آخرین شماره ماهنامه «امتداد» که با این محافظ خامنه ای مصاحبه کرده، نام او را «غلام شاه پسندی» عنوان کرده است. محافظ خامنه ای، درباره ورزش مورد علاقه او گفته است: «بعد از نماز صبح، ایشان هفته ای سه روز را کوهنوردی می کنند و حداقل بین چهل و پنج تا شصت دقیقه به سمت بالا حرکت می کنند. این مسیر را حدود نیم ساعت تا چهل و پنج دقیقه برمی گردند.»

شاه پسندی، گفته که برای این که این دوری مسافت به «وضعیت کاری ایشان لطمه نزند، آقا آن ساعت که باید تهجد و نماز و عبادت شخصی خودشان باشد را می آیند بیرون و در طول مسیر عبادتشان را انجام می دهند.»

او، هم چنین به مشکلات «امنیتی» برای کوهنوردی های رهبرشان نیز اشاره کرده و گفته است: «از نظر امنیتی ما نمی توانیم از یک کوه استفاده کنیم؛ دشمن هم این قدر می فهمد که به ما ضربه بزند. هر جا که کوه و بلندی هست و توی تهران است، آقا استفاده می کند؛ از بی بی شهربانوی شهر ری گرفته تا تمامی نقاط کوه های سمت شمال تهران؛ توی ولنجک، کوه دربند و هر کوهی، اختصاصی نیست که ما یک کوه خاصی را برویم؛ بلکه دو سه جای اختصاصی هم داریم، آن جاها هم می رویم.»

این خامنه ای، با اشاره به این که آیت الله خامنه ای نماز صبح را در دفتر خود می خواند و اعضای دفتر و محافظانش نیز با او نماز می خوانند، گفته که ساعات کاری او روز ها پس از نماز آغاز می شود.

شاه پسندی در این خصوص گفته: «اگر ملاقات داشته باشند، ملاقات با صبحانه شروع می شود. وقتی هفت صبح با آقا ملاقات هست، صبحانه شان را هم با آقا می خورند. بعد از خوردن صبحانه و کار اداری، تا نماز ظهر، آقا توی دفتر است. اذان که گفته بشود، هر کاری که وجود داشته باشد، وسط سخنرانی هم که باشد، آقا قطع می کنند، می گویند نماز را بخوانیم بعد بیائیم؛ نماز اول وقت.»

پیش از این نیز یکی از محافظان خامنه ای، داستان دیگری از «ضدحفاظت ترین» کار آیت الله خامنه ای بیان کرده بود که به گفته او در خیابان مجیدیه تهران رخ داده است.

این محافظ که نامش مشخص نیست در خاطره خود که سایت مشرق، -از سایت های نزدیک به سپاه پاسداران- آن را منتشر کرده، نوشته بود که آیت الله خامنه ای یک بار در ورودی خانه ای در خیابان مجیدیه (از محلات شرق تهران) و در حالی که مردم او را می دیدند، برای دقایقی ایستاده است.

آیت الله خامنه ای، به ندرت در اماکن عمومی حاضر می شود و برابر گزارش ها، حضور هراز چند گاه او در اماکن عمومی با تمهیدات گسترده و دقیق امنیتی و حفاظتی از روز ها قبل همراه است.

محافظ بی نام رهبر حکومت اسلامی، در آن مصاحبه گفته بود چون مادر خانواده که از کشته شدگان ارمنی جنگ ایران و عراق بوده، پس از شنیدن این که قرار است رهبر حکومت اسلامی به خانه آن ها بیاید «غش» کرده بوده و

دخترانش نیز «لباس مناسب» به تن نداشتند، آیت الله خامنه ای مجبور شده دقایقی در ورودی خانه آن ها بایستد تا صاحب خانه بیاید و به او اجازه ورود بدهد.

او، هم چنین اضافه کرده بود که عموی خانواده نیز پس از آن که وارد منزل شد تا در غیاب مردان فامیل، با رهبر حکومت اسلامی هم صحبت بشود، «تا آقا را دید، مرد».

واقعا اگر این آقا با دیدن خامنه ای نمرده بود احتمالا به نزدیکان خود می گفت که از بس سران و مقامات حکومت اسلامی، به ویژه خود خامنه ای روزانه فرمان های سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام و ترور صادر می کند با دیدن این سردهسته آدم کشان حکومت اسلامی، از رعب و وحشت سکنه کرد!

مسئولیت حفاظت از آیت الله خامنه ای، به عهده واحد ویژه ای از سپاه پاسداران به نام «سپاه حفاظت ولی امر» است. این واحد، نیروی نظامی و امنیتی ویژه ای است که تک تک اعضای آن با معرفی حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گزینش و تأیید واحد امنیتی دفتر رهبر حکومت اسلامی که زیر نظر حجت الاسلام اصغر حجازی قرار دارد، انتخاب می شوند.

سپاه پاسداران حکومت اسلامی، علاوه بر این که در سرکوب و کشتار و ترور اعتراضات مردمی و مخالفان به ویژه سرکوب و وحشیانه اعتراضات سال ۸۸ مردم آزاده ایران، نقش اصلی را داشته؛ در تصاحب صنایع مادر کشور چون صنایع نفت و پتروشیمی و مخابرات و غیره، در زمینه قاچاق مواد مخدر، سلاح و دیگر کالاها نیز فعالیت دارد. حتی سپاه قدس، بخش برون مرزی سپاه، همراه با نیروهای سرکوبگر سوریه در سرکوب اعتراضات مردم این کشور، حضور دارند.

وضعیت مالی «رهبر» «جان کاه» است! گویا در کشوری که همه مقامات ریز و درشت حکومت، به دزدی و غارت اموال عمومی مردم مشغولند و اکثریت مردم این کشور را به خاک سپاه نشانده اند، چه رهبر خوش نام و فقیری در رأس این حکومت قرار دارد؟!

مدتی پیش یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری خبر از آن داده بود که رهبر حکومت اسلامی، برای گذراندن مخارج روزمره زندگی ناچار است از دیگران پول قرض کند.

آیت الله سیدابوالحسن مهدوی، نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان اصفهان با بیان این مطلب افزوده بود که «مخارج زندگی» آیت الله خامنه ای «بسیار کم» است اما «بسیاری از مردم کشور خبر ندارند و آگاه نیستند که ایشان چقدر ساده زندگی می کنند».

عضو مجلس خبرگان رهبری، در این خصوص به خاطره ای از حجت الاسلام محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر آیت الله خامنه ای استناد کرده و به نقل از او آورده بود: «آقا بعضی اوقات از من پول قرض می کنند. با این که وجوهات و پول های زیادی در اختیار ایشان است؛ اما يك ريال برای استفاده های شخصی مصرف نمی کنند. گاهی احتیاج پیدا می کنند، از من پول قرض می کنند تا بعد بتوانند قرض شان را بدهند».

این در حالی است که تاکنون در سایت های اینترنتی اسناد و اخبار و گزارش های زیادی در رابطه با اختلاس و دزدی های سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، منتشر شده است. ثروت های بادآورده آقازاده در ایران، زبان زد عام و خاص است و نهادهای بین المللی نیز نام حکومت اسلامی را در دریف نخست کشورهایی قرار داده است که فساد اقتصادی بالائی دارند.

همه عرصه ها و منابع اقتصادی و مالی کشور و پروژه های عظیم بخش های مختلف مانند انرژی، ساخت و ساز، بانکداری، بازار بورس، تجارت خارجی و داخلی و... توسط نهادهای زیر نظر آیت الله خامنه ای هم چون سپاه

پاسداران، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد شهید، صدا و سیما، آستان قدس رضوی و غیره که رقمی صدها هزار میلیارد تومانی در سال برآورد می شود، از نشانه های ثروت اندوزی و فساد اقتصادی شخص رهبر و اطرافیان و خانواده و ارگان های حکومتی او است.

پیش از این ها نیز غلامعلی حدادعادل، پدر همسر مجتبی خامنه ای با رد همه این اتهامات گفته بود که خانواده رهبر حکومت اسلامی پاکدست ترین و ساده ترین زندگی ممکن را دارند. او، هم چنین با دفاع از داماد خود گفته بود که «کار آقا مجتبی فقط عبادت و فقاقت» است. به گفته او، این اخبار و شایعات کار «دشمنان انقلاب و اسلام و ایران» است که سعی می کنند «چهره های پاک را در نظر مردم زشت جلوه دهند».

اخیراً اختلاس های بزرگی توسط مقامات عالی رتبه حکومت اسلامی، باز هم به رسانه ها کشیده شده است. سایت خبر آنلاین، در گزارشی به پرونده های اختلاسی که در هفته گذشته سر و صدا به پا کرد و ابتداء تکذیب و سپس تمامی آن ها تأیید شده است، می آورد:

پرونده های اختلاس در هفته گذشته، سر و صدای زیادی به پا کرد، اولین انفجار اختلاس های نجومی را در آخرین روزهای مردادماه [اسد] گذشته، بانک مرکزی اعلام کرد. بانک مرکزی، اعلام کرد پروانه فعالیت بانک خصوصی آریا را به علت اختلاس مدیرعامل این بانک از بانک صادرات ایران، باطل کرده است.

در این اختلاس، ۳ هزار میلیارد تومانی فردی که صاحب ده ها شرکت و مؤسسه اقتصادی زنجیره ای و تو در تو است، با استفاده از شگرد خاصی اقدام به اختلاس از بانک صادرات می کرده است.

این فرد، با تبنای و نفوذ با رئیس شعبه بانک صادرات در محل کارخانه فولاد، اقدام به صدور "ال سی" های جعلی به مبلغ ده ها میلیارد تومانی می کرده است و بدون آن که وجه "ال سی" های (اعتبارات بانکی) مذکور را به بانک بپردازد، "ال سی" ها را دریافت و به بانک های دولتی و خصوصی دیگر داخلی به قیمتی پائینتر از قیمت رسمی "ال سی" می فروخته است.

این اختلاس، در ابتداء تکذیب شد ولی توضیحات رسمی و اطلاعیه بانک صادرات اعلام کرد: «موضوع صرفاً سوء استفاده از نام و اعتبار بانک صادرات ایران می باشد به نحوی که مدیران گروه ملی فولاد ایران با تبنای احدی از کارکنان این بانک خارج از محیط و سیستم بانکی اقدام به سوء استفاده اعتبار اسنادی ریالی داخلی (LC) می نمایند، در حالی که هیچ گونه سابقه و مستند قانونی نزد این بانک موجود نبوده و اعتبارات مذکور صوری و فاقد پشتوانه می باشند».

پیش از این اختلاس نیز پرونده اختلاس ۱۳۹ میلیاردی از بانک ملی در استان هرمزگان در اواخر مرداد ماه، رو شده بود. علی علیا، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان اعلام کرده بود رسیدگی به یک پرونده اختلاس ۱۳۹ میلیارد تومانی از بانک ملی در بندرعباس، در دستور کار قضات این استان قرار گرفته است.

در استان های دیگری نیز پرونده های مختلفی از اختلاس در بانک ها شنیده شد. تا جایی که بهمنی، رئیس بانک مرکزی در دفاع از عملکرد نظارتی بانک ها وارد گود شد و گفت اگر تحویل داری در سیرجان اختلاس کند، تقصیر ما نیست. رئیس کل بانک مرکزی درباره خبری که از پرداخت ۴۷ فقره وام مسکن از یک بانک خصوصی به مبلغ ۸ میلیارد تومان به یک فرد هدایت شده، منتشر شده بود، گفت: نظام بانکی دارای ۱۷ هزار واحد بانکی است، بنابراین، بانک مرکزی یک بازرسی کلی و نظارت کلی دارد و این خود بانک ها هستند که نسبت به این گونه موارد بازرسی دارند.

ولی شاید جنجالی ترین اختلاس های اعلام شده در هفته اول شهریور [سنبله] را اعلام اجمالی پرونده های اختلاس در استانداری تهران، باید دانست. ابتداء، خبر آنلاین درباره اختلاس میلیاردي در معاونت عمرانی استانداری تهران گزارشی را منتشر کرد که در آن، محمودی، معاون استانداری تهران این اختلاس را تأیید کرده بود و البته گفته بود مربوط به دوره مسؤولیت وی نمی شود.

این اختلاس و ارتشاء که در ارتباط با معدن داران استان بود، ابتداء توسط تمدن، استاندار تهران اعلام شد مربوط به سال های گذشته است.

کار تا جایی پیش رفت که استاندار تهران به مسؤولان سازمان بازرسی کل کشور توصیه کرد: «از مسؤولان سازمان بازرسی کل کشور (که این خبر به نقل از آنها منتشر شده) نیز انتظار داریم سکوت نکنند و با متخلفان برخورد قاطع داشته باشند.»

پورمحمدي، رئیس این سازمان در گفتگویی که با خبرنگاران اراکی داشت، رسماً اعلام کرد پرونده های اختلاس های خرد و کلان در زمان استاندار فعلی و دوره های گذشته، موجود است.

او، در پاسخ به خبرنگاران اظهار داشت: «هم پرونده میلیاردي داریم و هم پرونده خرد. برخی استان های دیگر هم پرونده داشتیم که در حال رسیدگی است.»

به بیان دیگر، در میان بحث رسانه ای بین استانداری تهران و سایت های خبری، پای کامران دانشجو استاندار سابق تهران (رئیس سابق ستاد انتخابات ریاست جمهوری در وزارت کشور) به دعوا کشیده شد تا بحث اختلاس و اعلام جزئیات چندین پرونده های مالی توسط قوه قضائیه تنها به ۵ بانک محدود نباشد.

کمیسیون قضائی مجلس، در گفت و گو با «فردا» ابراز تأسف کرد از این که این روزها فردی با حمایت برخی آقایان هزار و پانصد میلیارد وام بدون هیچ پشتوانه ای از یک بانک دولتی می گیرد، این در حالی است که با این پول صدها کارخانه راه اندازی می شود. او، معتقد است که دولت باید رفیق بازی را در دادن وام های نابه جا و هنگفت و هم چنین مبارزه با چنین فسادهایی کنار بگذارد. عضو کمیسیون قضائی می گوید: دستگاه اجرائی باید با نظارت جدی خود جلوی زمین خواری های گسترده و واردات بی رویه که به تولیدات داخلی هم آسیب می زند بایستند. همین فسادهای اقتصادی است که درصدد از کار انداختن چرخ کل اقتصاد کشور هستند.

هم چنین چندی پیش، خبر مسدود شدن یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از دارائی های ایران در بریتانیا، انعکاس یافته بود.

در حساب بانکی به نام مجتبی خامنه ای پسر رهبر خامنه ای، در یکی از بانک های لندن به مبلغ یک میلیارد و ششصد میلیون دلار وجود داشت که با پیگیری های تعدادی از ایرانیان و فشار اتحادیه اروپا به دولت انگلیس توقیف شد. دولت انگلیس، به خاطر روابط اقتصادی با خانواده خامنه ای به توقیف این پول تمایل نداشت تا آن که عده ای موفق شدند با اقدام های قانونی کار را روز ۲۳ خرداد به اتمام برسانند. در ضمن تعداد زیادی از وابستگان به بیت رهبری یا اشخاص حقیقی نزدیک به خامنه ای میلیاردها دلار به اسامی مختلف در بانک های کشورهای اروپائی حساب دارند... از جمله می توان در بانکی در المان مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار به نام مجتبی تهرانی و یا ۷۴۰ میلیون دلار به نام فردی به اسم شوجویی و غیره اشاره کرد...

علی خامنه ای، میلیاردها دلار از ثروت هائی را که باید برای رفاه مردم به کار گرفته شوند به حوزه های علمیه، سپاه، بسیج، امام جمعه ها و به طور دستگاه طویل و عریض مفت خور روحانیت، تبلیغات اسلامی، دست یابی به بمب اتمی، سربازان گمنام امام زمان، ساندیش خورها، انصار حزب الله، لباس شخصی ها و غیره اختصاص می

دهد و در سطح جهانی نیز حمایت و پشتیبان مادی و معنوی گروه های تروریستی اسلامی است و با دست و دل بازی تاکنون میلیاردها دلار به حزب الله لبنان، حماس فلسطین و حکومت آدم کش سوریه پرداخت کرده است. سایت گذشته «خبرنگاران سبز»، در گزارش یک شنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹ خود نوشته بودند: «تلاش وابستگان به بیت رهبری برای اقامت در امریکا... به عنوان مثال یکی از زنان این گروه به نام خانم نیره محمدی گلپایگانی اخیراً خانه ای به قیمت ۱۲ میلیون دلار خریده که فقط ۴ باغبان رسیدگی به باغ بزرگ خانه را بر عهده دارند. شخص دیگری در این گروه به نام عزیز خوشوقت خانه ای به مبلغ ۸ میلیون دلار خریداری کرده و فرد دیگری از اعضای همین گروه خانوادگی، شرکت های معاملات املاک را مأمور خرید خانه ای به قیمت ۵۰ میلیون دلار نموده و رقابت بزرگی را بین این شرکت ها ایجاد کرده است...»

خبرنگاران سبز می نویسند: «... گروه شامل چندین خانواده مرتبط با یکدیگر می شود که وجه اشتراک آنان، پیوندهای گسترده با دفتر علی خامنه ای و یا ارتباط فامیلی با ایشان است. همه این خانواده ها با پیگیری یکی از قوی ترین شرکت های خدمات حقوقی و با هزینه سرسام آوری توانسته اند در کم ترین زمان ممکن گرین کارت اقامت در ایالات متحده را به دست آورند و از حدود پنج ماه پیش تاکنون تسهیلات ویژه آمد و رفت بین امریکا را به دست آورند. این گروه طی مدت اقامت خود در امریکا میلیون ها دلار هزینه کرده اند تا نشان دهند که قابلیت بالائی برای سرمایه گذاری دارند و به عنوان مهاجر میلیونر شناخته شوند...»

در این گزارش، از یک گروه ۲۵ نفری نام برده شده که همگی از وابستگان به بیت خامنه ای هستند، از جمله: «محمود خرازی و سید محمد چراغی که برای آن که بتوانند توان مالی و میزان درآمدهای سرشار خود را اثبات کنند و زودتر به گرین کارت دست یابند با گران ترین شرکت های بیمه خصوصی در امریکا و معتبرترین کلینیک های درمانی برای حداقل ۵ سال قرارداد کلی و همه جانبه امضاء کرده اند تا از خدمات ویژه برخوردار شوند... این گروه ۲۵ نفره هم چنین فرزندان خود را در بهترین مدارس امریکا ثبت نام کرده اند که تنها شهریه ثبت نام هر ترم تحصیلی یک دانش آموز در این مدارس بالغ بر ۱۸ هزار دلار است. علی رغم تلاش این افراد برای ملموس نبودن حضورشان در امریکا و نیز حضور در محله های بسیار گران قیمت میلیونر نشین، اما مهاجرت و اقامت جمعی آنان، داشتن حجاب چادر خانم ها، ماشین های لوکس و راننده و نقل و انتقال های کلان پول ها در بانک ها و هزینه های چشم گیر و روزافزون شان باعث جلب توجه مقام های محلی و دیگران شده است...»

به گزارش «میزان خبر»، گفته می شود معاون اول رئیس دولت به پنج سال حبس تعزیری، انفصال دائم از خدمات دولتی و رد مال نامشروع حاصل از معاملات محکوم شده است.

محمدرضا رحیمی که سمت معاون اول احمدی نژاد را بر عهده دارد و به اتهام اختلاس و فساد مالی تحت پیگرد قضائی بوده است به پنج سال حبس تعزیری، انفصال دائم از خدمات دولتی و رد مال نامشروع حاصل از معاملات محکوم شده است.

پرونده این اختلاس که به پرونده فاطمی شهرت یافته است، اولین بار توسط نمایندگان مخالف احمدی نژاد در مجلس شورا طرح شد و توسط قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار گرفت.

درحالی که قاضی القضاات حکومت اسلامی، باز هم بنا به مصالحی، هشدار داد که «فعلاً به لحاظ قانونی نام بردن از شرکت مورد اختلاس و اعلام اسامی افراد درگیر در پرونده ممنوع می باشد»، اما رسانه های خبری نکاتی را ذکر کرده اند که مشخص می کند این پرونده «ملی اختلاس»، همان شرکت بیمه ایران و مدیر ارشد دولتی نیز همان محمدرضا رحیمی، معاون اول پرحاشیه محمود احمدی نژاد است.

همان زمان خبرنگار جرس، خبر داده بود که منظور صادق لاریجانی از مقام عالی رتبه دولتی - که مرتکب حداقل شش میلیارد تومان اختلاس شده - محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهور است و رئیس دستگاه قضائی نیز، طی پیامی تلفنی، به احمدی نژاد خبر می دهد که جرم معاون اول وی محرز بوده و جهت حفظ آبروی نظام بهتر است قبل از بازداشت و توقیف وی، رئیس دولت او را عزل نماید که البته احمدی نژاد - مانند موارد دیگر - از منتسبین خود دفاع کرده و به صراحت از عزل رحیمی شانه خالی می کند.

گزارش مذکور همچنین خاطرنشان کرده بود که اختلاس مورد بحث در شرکت بیمه ایران اتفاق افتاده است که در این پرونده علاوه بر محمدرضا رحیمی، یک عضو هیأت مدیره بیمه ایران (اسماعیلی) که دادگاه بدوی وی را فقط به یک سال زندان محکوم نموده، یک عضو ارشد هیأت مدیره بانک ملی و چند مقام ارشد دولتی حضور دارند. هم زمان پایگاه اینترنتی جهان نیوز (متعلق به علی زاکانی نماینده حامی دولت)، ضمن اشاره به خبر فوق و بیان این که «اخبار نگران کننده ای از سنگ اندازی برخی ارکان قدرت به گوش می رسد و شنیده ها حاکی از آن ست که تمام اعضای این باند به غیر از یک نفر دستگیر شده اما ظاهراً احضار یک مقام دولتی با مشکل مواجه شده»، از حمایت احمدی نژاد از مدیر مذکور انتقاد کرد.

سایت سفیر نیز خاطرنشان کرده بود: «... البته رحیمی بسیار شایسته و البته لازم است توضیح دهد که چرا از ایشان در پرونده مربوط به «ج» و آقای «م» از مسؤولان استانداری تهران که اکنون در بازداشت به سر می برد و پرونده این دو نفر که به اتهام هائی هم چون سوء استفاده مالی و جعل امضاء در قوه قضائیه مفتوح می باشد نام برده شده است؟...»

همان روزها، الیاس نادران، نماینده اصول گرای منتقد دولت، طی نامه ای که منتشر ساخت، مدرک دکترای رحیمی (دوقلوی مدرک کردان) و برخی مسائل مالی جدید و قدیم را مورد اشاره و پرسش قرار داد و درسایت «الف»، متعلق به رئیس مرکز پژوهش های مجلس (احمد توکلی) مانند قضیه مدرک جعلی علی کردان، برگ برنده ای رو شد که متذکر گردید «جناب آقای رحیمی، لابد اطلاع دارید آقایان جابر ابدالی، حمزه نویس و مسعودی در چه شرایطی هستند. از این که تا به حال چه گفته اند بنده بی اطلاع، ولی به عنوان نماینده مردم شریف ایران انتظار دارم توضیح بفرمائید که چک های چند میلیارد تومانی و چند صد میلیون تومانی که به حساب شما واریز شده بود، از چه حساب هائی و مربوط به چه افرادی می باشد؟ ... می دانم در جریان انتخابات مجلس هشتم توسط جابر ابدالی پول هائی را بین نامزدهای مجلس توزیع کرده اید. آیا ممکن است نسبت به منشاء این پول ها توضیح بفرمائید تا به عنوان نماینده مردم بتوانم مؤکلینم را در جریان این امر قرار دهم؟...»

اما سایت متعلق به علی زاکانی و مراکز امنیتی، پیشتر با بیان این نکته که «رد پای یک مسؤول در باند فساد بیمه کرج دیده می شود»، خاطرنشان ساخته بودند: «یک چهره جنجالی و مسؤول که دارای اتهامات متعدد فساد مالی و سیاسی بوده و در حال حاضر نیز دارای مسؤولیت است، متهم به همکاری و شراکت با یک باند فساد مالی در بیمه ایران در کرج است. در همین راستا نقش و تخلف رئیس این بیمه در شهرستان کرج بررسی و جرم وی محرز و دستگیر شده است. فعالیت این جریان فساد به این نحو بوده است که پرونده های مختومه را یک بار دیگر به جریان می انداختند و دوباره برای آن ها حکم صادر کرده و پول آن را خودشان برداشت می کردند و با همین شگرد میلیارد ها تومان اختلاس کردند...»

رحیمی، دادستان قروه و سنج، دادستان در اوانل انقلاب، نماینده دوره های دوم، سوم و چهارم و عضو اسبق هیأت رئیسه مجلس، استاندار اسبق کردستان، رئیس سابق دیوان محاسبات و معاون پارلمانی سابق رئیس جمهور و

معاون اول رئیس دولت دهم است. او، در این سال ها در مظان اتهامات گوناگون، با وجود این که طی چند سال اخیر به «تحصیل مال نامشروع» و «تصرف غیرمجاز در اموال دولت» متهم و در شعبه ۱۰۵۷ دادگاه عمومی کیفری تهران (نزد قاضی مولائی) دارای پرونده بوده، با این حال تحت حمایت شخص رئیس دولت و محافل قدرت، تاکنون در هیچ دادگاهی حضور نیافته است.

این در حالی است که فعلا بحث و پیگیری فساد اقتصادی و مالی و دیگر تخلفات گسترده محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری و سخن گوی دولت رعب و وحشت و ترور و سانسور احمدی نژاد، با دستور خامنه ای متوقف شده است.

از کاری های دیگر دولت این که سال گذشته، موسی الرضا ثروتی، نماینده اصول گرای مجلس هشتم و عضو کمیسیون برنامه و بودجه، در گفتگو با ایلنا از «سرنوشت نامشخص ۵۲ میلیارد تومان» در جریان برداشت دولت محمود احمدی نژاد از حساب ذخیره ارزی کشور خبر داده بود. وی ماجرای «گم شدن ۵۲ میلیارد تومان» را زمانی اعلام کرد که قصد داشت به مجوز مجلس شورای اسلامی به دولت نهم جهت استفاده از مبلغ یک میلیارد و ۱۳ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی اشاره نماید.

اوایل امسال احمدی قاسمی سرپرست دادسرای امور اقتصادی ضمن اعلام «صدور کیفرخواست برای ۲۵۷ نفر»، خاطرنشان کرده بود که «بیشترین پرونده های مفاسد اقتصادی، به دستگاه ها و مدیران دولتی مربوط می شود که جمع کل اموال این افراد بالغ بر ۱۲۶۵ میلیارد تومان بوده است».

ناگفته نماند سال گذشته سازمان شفافیت بین المللی، ایران را از لحاظ «پاکدامنی اقتصادی»، در رتبه ۸۷ جهان قرار داد؛ تا نسبت به قبل ۵۴ رتبه پسرفت در زمینه شفافیت اقتصادی کسب شود.

این ها نمونه های کوچکی است از ریخت و پاش و فساد و اختلاس اقتصادی سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی و به ویژه نزدیکان علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی.

به این ترتیب، حکومت های دیکتاتوری و مستبد به دلیل این که آینده ای برای خود تصور نمی کنند، هر چه بیشتر در باتلاق فساد اقتصادی، اخلاقی، انسانی و سیاسی فرو می روند و هر چه بیش تر به فکر ثروت اندوزی می افتند و دست به غارت منابع و ثروت های کشور می زنند.

اما با این وجود، سیدعلی خامنه ای، هر چه هم ثروتش از پارو بالا برود باز هم به کمک های مردمی، به ویژه کارتون خواب ها، بی کاران، کارگران و کارمندان نیاز دارد. چرا که بالاخره رهبر و اطرافیان آن و کل دستگاه روحانیت در ایران، هر چه قدر هم ثروت مند باشند، چشم و دل شان سیر نمی شود. از این رو، علاوه بر این که امتیازات ویژه ای در حاکمیت دارند در عین حال، منتظر خمس و زکات و مال امام و کمک های مردمی و غیره نیز هستند. آن ها، به مفت خوری، دزدی و غارت، پرخوری و ثروت اندوزی عادت کرده اند و اگر ذره ای احساس ناراحتی و کمبود کنند عرش خدایشان به لرزه درمی آید؟ در حالی که به عکس، کارگران، مردم فقیر و کم بضاعت به بی پولی و گرسنگی عادت کرده و نیازی چندانی به پول ندارند!

[یاد سعدی گرامی باد وقتی نوشت:

گفت چشم تنگ دنیا دوست را

یا قناعت پرکند یا خاک گور]